

مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۱۲، شماره ۱، بهار ۱۳۹۹

(از ص ۱۱۷ تا ص ۱۳۷)



10.22059/jarcs.2020.266797.142620

Online ISSN: 2251-9297 Print ISSN: 2676-4288-

<https://jarcs.ut.ac.ir>

Description, Classification and Typology of the Excavated Parthian Pottery from the Second Seasons of Qal'eh-i Yazdigird's Excavations

Alireza Khosrowzadeh

Assistant Professor, Department of Archaeology, Shahrekord University

Naser Noruzzadeh Chegini

Associate Professor, Archeology Research Institute, Institute of Cultural Heritage and Tourism

Samer Nazari

Ph. D Candidate in Archeology, University of Tehran

Received: 5 October, 2018; Accepted: 9 May, 2020

Abstract

Pottery is the most prominent archaeological material which has a great role in reconstruction of regional and interregional interactions. So, identification of the pottery assemblages of each cultural period is very important to clarify their chronology and their technological significance. So far, few archaeological sites related to the Parthian period have been excavated in western Iran. Therefore, due to the lack of ceramic collections to identify and distinguish the pottery of this period, recognition of Parthian sites in western Iran encounters some problems. So, it is necessary to present a precise dated collection of the Parthian pottery in order to have a better understanding of their regional changes in this period. One of the most important sites in western Iran is Qal'eh-i Yazdigird, which has been excavated recently. Describing the pottery forms of this region could be helpful in the regional pottery studies, as well as for relative chronology in the Parthian world. According to the excavated pottery, three types have been reported, including clinky, glazed and common wares. Comparative studies on the pottery suggest most of them have been made locally, but some are probably from other sites and show cultural-commercial relationships between this site and other contemporary settlements during the Parthian. On the basis of forms and technical characteristics, it seems that the pottery belonging to the late Parthian period can be classified into two types of ordinary pottery and semi-precise ceramics. In addition to the pottery, other archaeological findings, such as building units, are very useful in our study to reconstruct the chronology of site.

Keywords: Qal'eh-i Yazdigird, Parthian, Pottery, Western Iran.

توصیف، طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های اشکانی به‌دست‌آمده از دور دوم کاوش - های قلعه یزدگرد

علیرضا خسروزاده

استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه شهرکرد

ناصر نوروززاده چگینی

دانشیار پژوهشکده باستان‌شناسی، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری

سامر نظری*

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۲۰

چکیده

سفال به‌عنوان شاخص‌ترین یافته‌ی باستان‌شناسی، نقش به‌سزایی در بازسازی برهم‌کنش‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای دارد؛ بنابراین شناخت سفال‌های هر دوره‌ی فرهنگی بسیار حائز اهمیت است. محوطه‌های باستان‌شناختی اندکی مربوط به دوره‌ی اشکانی در غرب ایران کاوش شده است. از این‌رو به دلیل فقدان مجموعه‌های سفالی کافی، جهت شناخت و تمایز سفال‌های این دوره، شناسایی محوطه‌های اشکانی غرب ایران با مشکلاتی روبه‌رو می‌باشد. بدین ترتیب معرفی و ارائه‌ی مجموعه سفال‌های تاریخ‌گذاری شده‌ی دقیقی از دوره‌ی اشکانی، برای درک بهتر تحولات منطقه در این بازه‌ی زمانی مؤثر و لازم است. یکی از مهم‌ترین محوطه‌های اشکانی غرب ایران که اخیراً مورد کاوش قرار گرفته است، قلعه یزدگرد می‌باشد. ارائه‌ی گونه‌ها و شکل‌های سفالی به‌دست‌آمده از این محوطه، جهت مطالعات سفالی منطقه‌ای و گاه‌نگارهای نسبی در قلمرو اشکانی سودمند خواهد بود. طبق مطالعات صورت‌گرفته بر روی سفال‌های حاصل از کاوش، در مجموع سه گونه‌ی سفالی شامل کلینکی، لعاب‌دار و معمولی شناسایی شد. مقایسات تطبیقی این سفال‌ها با مناطق پیرامونی، حاکی از آن است که بیشتر سفال‌ها ساخت محل هستند، اگرچه در میان آن‌ها قطعاتی دیده می‌شود که در اثر ارتباطات فرهنگی، از مناطق هم‌جوار به این محوطه وارد شده‌اند. بر اساس مطالعات انجام‌شده بر روی شکل‌ها و ویژگی‌های فنی سفال‌ها، می‌توان این‌گونه ارزیابی نمود که سفال‌ها متعلق به اواخر دوره اشکانی هستند. علاوه بر سفال، یافته‌های دیگری مانند واحدهای ساختمانی و سکه نیز به‌دست‌آمده است که این تاریخ پیشنهادی را قوت می‌بخشند.

کلیدواژه: قلعه یزدگرد، اشکانی، سفال، غرب ایران.

۱. مقدمه

سفال فراوان‌ترین ماده‌ی فرهنگی است که در کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناختی، باستان‌شناس با آن روبرو می‌گردد از این‌رو طبیعتاً مستلزم توجه و نگاه ژرف‌تری است. اما این بدان معنا نیست که پایه و اساس تجزیه و تحلیل‌های محققان علم باستان‌شناسی منحصر به آن باشد. سفال نیز همچون دیگر داده‌های فرهنگی که از دل تاریخ مدفون بیرون می‌آیند، تنها پاسخ‌گوی سؤالاتی است که در حوزه‌ی قلمرو معناشناسی خود می‌باشد. این قلمرو بسیار وسیع بوده به طوری که دامنه‌ی آن حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در بر می‌گیرد. بهره‌گیری از سفال، بیش‌تر به منظور تاریخ‌گذاری نسبی و شناخت روابط فرهنگی و تجاری محوطه‌ها و تمدن‌ها است. بنابراین با توجه به این‌که درباره‌ی سفال اشکانی در غرب ایران مطالعات زیادی صورت نگرفته، در پژوهش حاضر سعی شده تا از طریق مطالعه و بررسی یافته‌های سفالی به دست‌آمده از قلعه یزدگرد به‌عنوان یکی از کانون‌های فرهنگی این دوره، به فهم بهتر مناسبات فرهنگی و کنش‌های اجتماعی منطقه‌ی غرب کمک کنیم. بدین منظور نگارندگان در این مقاله سعی در معرفی و مطالعه‌ی یافته‌های سفالی دوره‌ی اشکانی این محوطه با دیگر محوطه‌های هم‌زمان دارند که در درک بهتر دوره‌ی اشکانی غرب ایران تأثیرگذار است.

۲. پرسش‌های پژوهش

در راستای پژوهش پیش‌رو، سعی می‌شود به پرسش‌های اصلی که مبنای نوشتار حاضر است، پاسخی مناسب داده شود.

۱. مجموعه‌ی سفالی قلعه یزدگرد، متعلق به کدام مرحله از دوران اشکانی است؟
۲. سفال اشکانی قلعه یزدگرد ارتباط این محوطه را با کدامیک از دیگر حوزه‌های فرهنگی نشان می‌دهد؟
۳. ویژگی‌های بومی در مجموعه سفالی قلعه یزدگرد را چگونه می‌توان ارزیابی نمود؟

۳. روش پژوهش

در پژوهش حاضر، ابتدا یافته‌های سفالی طراحی و مستندسازی (عکاسی) شده و در مرحله‌ی بعدی مطالعات کتابخانه‌ای جهت گاهنگاری و مقایسات تطبیقی صورت گرفته است.

۴. قلمرو جغرافیایی قلعه یزدگرد

مجموعه‌ی آثار تاریخی قلعه یزدگرد در روستای بان‌زرده از توابع شهرستان دالاهو، استان کرمانشاه و در ۴۵ درجه و ۵۷ دقیقه طول و ۳۴ درجه و ۳۳ دقیقه عرض جغرافیایی واقع است که از هیجده کیلومتری سهراهی ریجاب به سرپل‌ذهاب قابل‌دسترسی است (نقشه ۱). قلعه یزدگرد در واقع تنها نام یکی از دژهای تأسیسات دفاعی گسترده‌ای است که تمامی مجموعه را در برمی‌گیرد. این دژ، همچون چند نمونه‌ی مشابه بر فراز ستیغ یکی از کوه‌های مشرف بر بان‌زرده بناشده و به خاطر تسهیل توصیف به‌تمامی منطقه اطلاق شده است. وسعت محدوده‌ای که این مجموعه در آن پراکنده است شامل چهل کیلومتر مربع می‌باشد (آذرنوش، ۸۷-۱۳۸۶). از دیدگاه زمین‌شناسی مجموعه فوق حوزه‌ی زرده را در برمی‌گیرد. این حوزه یک چینه‌ی طبیعی و برجسته در حاشیه‌ی غربی سلسله جبال زاگرس است. اگر از ارتفاعات به این حوزه بنگریم آن را به شکل یک پناهگاه

عمیق خواهیم دید که از آخرین پیشروی‌های فلات ایران است و اگر محل ایستادن ما دشت باشد، این ارتفاعات منطقه‌ای مرتفع به نظر می‌رسد که دسترسی به آن بس دشوار است. محیط این حوزه حدوداً ۲۵ کیلومتر است و تقریباً ۲۰ کیلومتر از آن پرتگاهی است که همچون استحکاماتی طبیعی و بی‌نظیر عمل می‌کند اما حدود ۳ کیلومتر از این حوزه، دشتی واقع در بخش جنوب‌شرقی است که برای حفاظت، نیازمند دیواری دفاعی بوده تا سنگربندی منطقه را تکمیل کند (Keall, 1982: 51).

۵. پیشینه پژوهش در قلعه یزدگرد

از منطقه بان‌زرده و مجموعه‌ی یادمانی قلعه یزدگرد تا سال ۹۳۳ هجری قمری در هیچ متنی نام برده نشده است. قدیمی‌ترین اشاره به این نام در وقف‌نامه‌ای به تاریخ ششم رجب‌المرجب سال ۹۳۳ هجری قمری تنظیم شده و در آن امیرقمام‌الدین یکی از امیران کرد منطقه ذهاب قسمتی از املاک خود را وقف بر بقعه‌ی بابایادگار می‌کند و از بان‌زرده فعلی که محل دفن بابایادگار است به نام سرای زرد یزدجردی نام می‌برد (گلزاری و جلیلی، بی تا: ۱۴۱). اما اولین بازدید ثبت‌شده از بان‌زرده و در رأس آن مجموعه‌ی قلعه یزدگرد مربوط به سرهنری راولینسون در سال ۱۸۳۹ میلادی است. وی قلعه یزدگرد را براساس افسانه‌های محلی و سنت رایج بین مردم منطقه به یزدگرد سوم منتسب کرده و کل مجموعه را مربوط به دوره‌ی ساسانی می‌دانست. پس از او کلنل چریکوف در سال ۱۸۴۹ میلادی از این مکان بازدید کرد. بعدها کریستو فرویتمن که در مورد فرقه‌ی اهل حق تحقیق می‌کرد در بازدید خود از بقعه بابایادگار، از وجود بنای عظیمی اطراف بقعه خبر داد که طبق توصیفات وی ویژگی بناهای ساسانی را در خود داشت (خان‌مرادی، ۱۳۸۶: ۴۷-۱۴۶). اما اولین بررسی باستان‌شناختی در مجموعه‌ی قلعه یزدگرد در سال ۱۹۶۵ میلادی توسط موسسه مطالعات ایرانی بریتانیا به سرپرستی ادوارد کیل انجام گرفت و پس از یک وقفه مجدداً بررسی و کاوش از ۱۹۷۵ تا سال ۱۹۷۹ میلادی ادامه یافت (مرادی، ۱۳۸۷: ۱). این حوزه بعد از انقلاب اسلامی به دلیل اهمیت فرهنگی، جغرافیایی و قرارگیری بر سر راه خراسان به بغداد دوباره توجه باستان‌شناسان را به خود جلب کرد و باعث ازسرگیری فعالیت‌های باستان‌شناختی در این حوزه گردید که از آن جمله می‌توان به بررسی مژگان خان‌مرادی در سال ۱۳۸۶ (خان‌مرادی، ۱۳۸۶)، کاوش‌های فصل نخست سال ۸۷-۱۳۸۶ توسط مسعود آذرنوش (آذرنوش، ۸۷-۱۳۸۶)، کاوش‌های سال ۸۹-۱۳۸۸ توسط ناصر نوروززاده چگینی (چگینی، ۸۹-۱۳۸۸) و بررسی انجام‌شده در سال ۱۳۸۹ توسط رزم‌پوش اشاره کرد (رزم‌پوش، ۱۳۸۹).

۶. شرح کلی کاوش‌های دور دوم قلعه یزدگرد

دور دوم کاوش‌های قلعه یزدگرد در آبان ۱۳۸۵ به سرپرستی مسعود آذرنوش آغاز شد. آذرنوش در مقدمه‌ی گزارش خود دو هدف عمده‌ی کاوش در قلعه یزدگرد را این‌گونه بیان می‌کند: ۱. کسب اطلاعات درباره‌ی دوره‌ی اشکانی، به‌ویژه در درون مرزهای ایران؛ ۲. از آنجاکه ایران خاستگاه فرهنگی و تاریخی اشکانیان است و خود را وام‌دار آنان می‌داند، باید کوشید تا آثار مهم این دوره را در معرض دید همگان قرار داد. به‌رحال کاوش‌های دور دوم در دو فاز انجام شد، فاز نخست به مدت چهار ماه و تا اوایل اسفند ۱۳۸۶ انجام شد؛ تمرکز این کاوش‌ها در بخش غربی گچ‌گنبد بود. در این فاز ۱۵ ترانسه مورد کاوش قرار گرفت، اساساً ابعاد این ترانسه‌ها ۱۰ × ۱۰ متر بوده، اما با توجه به شرایط توپوگرافی، استثنائاً بعضی از ترانسه‌ها به‌طور کامل کاوش

نشندند. نتیجه‌ی کاوش در این بخش آشکار شدن، مجموعه‌ای از واحدهای (احتمالاً مسکونی) متحدالشکل بود. در قسمت جنوب‌غربی محدوده‌ی کاوش تیم تحت سرپرستی آذرنوش تلاش کرد تا آثار معماری مکشوفه را با آثار کشف‌شده در دور نخست منطبق کند، در نتیجه برخی از ساختارها و فضاهای معماری مکشوفه در دور نخست را خواناسازی کرده، و پلان معماری مکشوفه را یکپارچه و منطبق کرد (آذرنوش، ۸۷-۱۳۸۶). فاز دوم کاوش در فصل نخست از دور دوم کاوش‌ها، در گچ‌گنبد شرقی دنبال شد، در این بخش ابتدا یک گمانه‌ی طولی در کناره‌ی یکی از اضلاع بلوک معروف به گچ‌گنبد کاوش شد. که نتیجه‌ی آن آشکار شدن راهروی شیب‌دار و مسقف با طاق ضربی بود که رو به پائین حرکت می‌کرد؛ به دلیل عدم توانایی در تأمین حفاظت این راهرو و نتیجه‌ی حاصل از تداوم کاوش در آن، کاوش در این گمانه متوقف شد و کاوش‌های گچ‌گنبد شرقی به سمت شرق و باهدف دستیابی به آثار کاوش ادوارد کیل و همچنین یافتن مسیری برای دسترسی به راهروی مکشوفه در کنار گچ‌گنبد دنبال شد. سرپرستی فصل دوم کاوش‌ها در اسفندماه همین سال به ناصر نوروززاده چگینی سپرده شد. چگینی با توجه به اینکه ناگهانی سرپرست این کاوش شده بود، تصمیم گرفت اهداف آذرنوش را دنبال کند و علاوه بر آن توجه بیش‌تری معطوف به اقدامات حفاظتی کرد. در همین راستا کاوش در گچ‌گنبد شرقی به دلیل نبود امکانات حفاظتی متوقف شد و کاوش‌ها در گچ‌گنبد غربی دنبال شد (نوروززاده چگینی، ۱۳۸۹-۱۳۸۸).

در جریان کاوش‌های دور دوم قلعه یزدگرد، یافته‌های مختلفی مانند سفال و سکه به دست آمد. علاوه بر آن واحدهای ساختمانی نیز خواناسازی شد. با توجه به موضوع پژوهش که ارائه‌ی گونه‌های سفالی گردآوری-شده است، پرداختن به سایر یافته‌های باستان‌شناختی خارج از حیطه‌ی مبحث کنونی است، بنابراین در ادامه، گونه‌ها و شکل‌های سفالی شاخص به‌دست‌آمده از این منطقه معرفی خواهد شد.

۷. یافته‌های سفالی

در طی کاوش‌های قلعه یزدگرد تعداد ۵۷۹ قطعه سفال شاخص جهت طراحی انتخاب گردید. سفال‌ها ابتدا بر اساس نوع قطعه تقسیم گشته و سپس قطعه‌ها براساس گونه‌ی سفالی طبقه‌بندی شدند که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود.

۷-۱. طبقه‌بندی براساس نوع قطعه

لبه، بدنه، کف، دسته، دسته بدنه، درپوش، آبریز، لبه دسته، قطعات سفالی هستند که از این محوطه به‌دست‌آمده‌اند. همچنین سه عدد پایه گزارش شد که جزء کف‌ها مورد مطالعه قرار گرفتند. در کل ۵۷۹ قطعه سفال شناسایی شده‌است که از این تعداد ۲۸۲ قطعه (۴۸/۷۰٪) متعلق به لبه، ۱۴۹ قطعه (۲۵/۷۳٪) متعلق به بدنه، ۹۱ قطعه (۱۵/۷۲٪) متعلق به کف، ۱۸ قطعه (۳/۱۱٪) متعلق به دسته، ۱۴ قطعه (۲/۴۲٪) دسته و بدنه، ۲۲ قطعه (۳/۸۰٪) متعلق به لبه دسته، ۲ قطعه (۰/۳۵٪) متعلق به آبریز و ۱ قطعه (۰/۱۷٪) متعلق به یک درپوش است؛ بنابراین بیشترین قطعه سفال به‌دست‌آمده، مربوط به لبه ظروف است که اکثراً بدون تزیین هستند (شکل ۱).

۷-۲. طبقه‌بندی براساس گونه سفالی

گونه‌های سفالی به‌دست‌آمده از قلعه یزدگرد شامل: گونه‌ی معمولی با ۵۴۴ قطعه (۹۳/۹۶٪)، گونه‌ی لعاب‌دار با ۲۷ قطعه (۴/۶۶٪)، گونه‌ی کلینکی ۷ قطعه (۱/۲۱٪) و گونه‌ی منقوش با ۱ قطعه است (۰/۱۷٪). این قطعه سفال منقوش، به دلیل تخریب زیاد جزء گونه‌های سفالی مورد مطالعه قرار نگرفت. بنابراین گونه‌ی معمولی بیشترین درصد از سفال‌های به‌دست‌آمده را تشکیل می‌دهد (شکل ۲).

۷-۲-۱. گونه لعاب‌دار

سفال لعاب‌دار یکی از گونه‌های سفالی منطقه غرب است که احتمالاً از نیمه‌ی اول سده‌ی دوم پیش از میلاد رواج می‌یابد. این گونه، گونه‌ی سفالی بانفوذ و تأثیر خارجی است که در ابتدا شکل‌های آن کم و محدود بوده است ولی در طول زمان شکل‌ها و گونه‌های دیگری که با جنوب‌غربی ایران و بین‌النهرین ارتباط و نسبت دارند در آن دیده می‌شوند (هرینک، ۱۳۷۶: ۱۲۴). سفال‌های لعاب‌دار به‌دست‌آمده از قلعه یزدگرد دارای خمیره‌ای به رنگ‌های نخودی، قرمز روشن، قهوه‌ای روشن و خاکستری مایل به سبز هستند. شاموت به‌کاررفته در خمیره‌ی آن‌ها عمدتاً کانی است. تمامی آن‌ها با چرخ ساخته شده و شکل منظم و یکنواختی دارند. حرارت برای پخت سفال‌ها کافی و بیش‌تر آن‌ها دارای بافت محکم هستند. لعاب آن‌ها اغلب فرسوده شده و بیش‌تر به رنگ سبز است. عناصر نقشی به‌کاررفته در این سفال‌ها محدود به شیارهای کنده است.

اشکال: گونه‌ی لعاب‌دار تنها ۲۷ عدد از کل سفال‌های قلعه یزدگرد را شامل می‌شود؛ بنابراین از نظر کمیت تعداد آن‌ها محدود است اما از نظر شکل دارای تنوع چشم‌گیری است که از آن میان می‌توان به - کاسه‌ها، کوزه‌ها، بشقاب و قمقمه اشاره کرد. از کاسه‌ها شاخص می‌توان به دو گروه اشاره کرد. کاسه با لبه‌ی گرد شده متمایل به بیرون با یک شیار دور لبه در خارج (لوح ۱: ۱) این شکل از کاسه را می‌توان با نمونه‌ی به‌دست‌آمده از قومس مقایسه کرد با این تفاوت که نمونه‌ی مقایسه شده بدون لعاب است (Hansman and Stronach, 1970: fig.15: 2). کاسه با لبه‌ی تیز شده که در حدود دو سانتیمتری زیر لبه با یک شکستگی تیز به داخل ظرف خمیده شده است (لوح ۱: ۲) نمونه‌ی اخیر با کمی تفاوت در مقطع و رنگ لعاب از خوزستان نیز به دست آمده که متعلق به دوره‌ی میانی و اواخر اشکانی است (خسروزاده و عالی، ۱۳۸۴: شکل ۲۳: ۵). بشقاب از دیگر ظروف موجود در میان سفال‌های لعاب‌دار است که از شاخص‌ترین فرم‌های آن بشقاب دارای لبه‌ی تخت با یک شکستگی تیز به‌طرف داخل ظرف می‌باشد (لوح ۱: ۳-۴). این فرم بشقاب با نمونه‌های به‌دست‌آمده از هگمتانه، شوش و محوطه‌ی لارسا در بین‌النهرین قابل قیاس است (آذرنوش و دیگران، ۱۳۹۵: تصویر ۲: ۲۳۱؛ Locomte, 1987b: pl. 19: 10; Boucharlat, 1987: fig.66: 2).

دو قطعه لبه متعلق به کوزه نیز در میان این‌گونه شناسایی شده است که شامل کوزه‌ی گردن‌دار با لبه‌ی گرد و یک شیار دور لبه (لوح ۱: ۵) و کوزه‌ی بدون گردن با لبه‌ی تخت و یک برجستگی زیر لبه می‌باشد (لوح ۱: ۶). دو قطعه کف شامل کف تخت دیسکی و کف مقعر (لوح ۱: ۷-۸) و دو قطعه سفال متعلق به بدنه از دیگر قطعات شناسایی‌شده در گونه‌ی لعاب‌دار هستند (لوح ۱: ۹-۱۰). عناصر نقشی به‌کاررفته بر روی بدنه‌ها شامل شیارهای مدور و نقش افزوده است. نمونه‌های مشابه شکل شماره‌ی ۹ با شیارهای مدور که احتمالاً متعلق به

بدنه‌ی یک قمقمه است، را می‌توان در میان سفال‌های به‌دست‌آمده از قلعه ضحاک (Kleiss, 1973: Abb.21) و جنوب‌غرب ایران مشاهده کرد (هرینک، ۱۳۷۶: شکل ۱؛ خسروزاده و عالی، ۱۳۸۴: شکل ۴۸: ۷-۸).

۷-۲-۲. گونه کلینکی

این گونه در گذشته سفال دارچینی نیز نامیده شده است ولی در حال حاضر نام جلینگی ترجیح داده می‌شود؛ زیرا این نام ویژگی این سفال را بیش‌تر نشان می‌دهد به این معنا که وقتی به این سفال ضربه‌ای وارد می‌شود صدای طنین و انعکاس برخورد فلز به گوش می‌رسد و نام آن از این ویژگی نشأت یافته است. این گونه سفال بسیار شاخص بوده و شناسایی آن بسیار آسان است و به‌عنوان یک راهنمای بسیار عالی برای پوشش نقشه‌های محوطه‌های باستانی که در دوره اشکانی مورد اشغال فرهنگی بوده‌اند، در غرب ایران می‌تواند به‌کار گرفته شود. مغز این سفال به رنگ خاکستری و خاکستری تیره است. این سفال شاخص و ویژه‌ی دوره‌ی میانه‌ی اشکانی است ولی منشاء و تاریخ ساخت آن را می‌توان نیمه‌ی اول سده‌ی دوم پیش از میلاد در نظر گرفت (هرینک، ۱۳۷۶: ۱۶۶). البته با توجه به شکل سفال‌های جلینگی که از تنوع خاصی برخوردارند، این احتمال مطرح گردید که این گونه سفال‌ها مربوط به محدوده‌ی زمانی گسترده‌تری باشند (محمدی‌فر، ۱۳۸۴: ۵۲۲). از طرفی با تحلیل ریخت‌شناسی سفال‌های جلینگی، گونه‌ای از این سفال‌ها با بدنه‌ی زاویه‌دار (قایقی شکل) دیده می‌شود که این شکل در دوره‌ی آشور جدید، آهن ۳ و هخامنشی نیز رایج بوده است (Stronach, 1969: 19). رنگ سطوح داخلی و خارجی سفال‌های کلینکی این منطقه قرمز و قرمز روشن است، ولی مغز آن‌ها به رنگ خاکستری است. حرارت به‌کاررفته در پخت سفال‌ها کافی بوده و شاموت استفاده‌شده از نوع کانی است. خمیره‌ی سفال‌ها ظریف بوده، تمامی آن‌ها با چرخ ساخته شده و سطوح داخلی و خارجی آن‌ها پرداخت شده است. تزئینات به‌کاررفته بر سطح بعضی از این سفال‌ها شامل شیرهای کنده می‌باشد.

اشکال: طی کاوش‌های قلعه یزدگرد تنها هفت قطعه از این گونه سفال به دست آمد که شاخص‌ترین آن‌ها شامل اشکال زیر است.

۱. کاسه با لبه‌ی قائم و شکستی ملایم به‌طرف داخل ظرف (لوح ۲: ۱). ۲. تنگ با لبه‌ی تخت (لوح ۲: ۲) که با کمی تفاوت شبیه نمونه‌های به‌دست‌آمده از جنوب‌غرب ایران است (هرینک، ۱۳۷۶: شکل ۳: ۱۶، ۱۹) البته نمونه‌های مقایسه شده دارای لعاب و مربوط به اوایل دوره‌ی اشکانی هستند. ۳. بطری با لبه‌ی باندی و گردن باریک (لوح ۲: ۳).

۷-۲-۳. گونه معمولی

گونه‌ی معمولی بیش‌ترین درصد سفال‌های به‌دست‌آمده را تشکیل می‌دهد و از نظر شکل نیز تنوع بیش‌تری دارند شامل کاسه‌ها، بشقاب‌ها، تگاره‌ها، کوزه‌ها و خمره‌ها. در این میان، کوزه‌ها بیش‌ترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. سفال‌های معمولی اغلب دارای طیفی از رنگ‌های نخودی، قهوه‌ای روشن و قرمز روشن است. خمیره‌ی بیش‌تر سفال‌ها معمولی است اما سفال‌های با خمیره‌ی خشن نیز در میان آن‌ها وجود دارد. گل این سفال‌ها با شاموت کانی و در موارد اندکی با گاه یا مخلوطی از هر دو استحکام‌بخشی شده است. بیش‌تر سفال‌ها با چرخ ساخته شده‌اند و شکل منظم و یکنواختی دارند. حرارت برای پخت سفال‌ها کافی است

ولی در میان آن‌ها تعدادی نیز در حرارت نامناسب پخته شده‌اند. سطح داخلی و خارجی سفال‌ها عمدتاً دارای پوشش گلی است و عناصر نقشی به‌کاررفته در آن‌ها شامل نقوش کنده، فشاری و نقوش افزوده است.

اشکال: کاسه‌ها: در میان سفال‌های معمولی تعدادی کاسه به دست آمد که از لحاظ شکل لبه به چند گروه تقسیم می‌شوند. از جمله کاسه‌ها با لبه‌ی تیز شده متمایل به بیرون (لوح ۳: ۱-۲) که نمونه‌های مشابه آن از بیستون (کلایس، ۱۳۸۵: شکل ۹: ۱) و شوش گزارش شده است (Miroschedji, 1987: fig.33: 1). از اشکال دیگر کاسه با یک شیار روی لبه است (لوح ۳: ۳-۴) که نمونه‌های مشابه آن‌ها را می‌توان در میان سفال‌های ارائه‌شده از بیستون و لارسا مشاهده کرد با این تفاوت که نمونه ارائه‌شده از لارسا بدون شیار روی لبه است (Kleiss, 1970: Abb. 26: 27; Locomte, 1987b: pl. 17: 7). آخرین نمونه‌ی مطالعه شده از این گروه شامل کاسه‌هایی با یک شیار روی لبه و یک برجستگی با مقطع گرد زیر لبه است (لوح ۳: ۵-۷) این کاسه‌ها با گردن متمایل به بیرون یا داخل از گونه‌های شاخص قلعه یزدگرد هستند و مشابه آن‌ها از دیگر محوطه‌های اشکانی گزارش نشده است.

تغار: علاوه بر موارد فوق در میان سفال‌های گونه‌ی ساده ظروفي با قطر دهانه زیاد بین ۲۸ تا ۴۱ به‌دست آمده است که با عنوان تغار در نظر گرفته شده‌اند و شامل شکل‌های زیر هستند. تغار با لبه‌ی تخت یا گرد شده متمایل به داخل (لوح ۴: ۱-۲) که در میان سفال‌های به‌دست‌آمده از بررسی شمال خوزستان مربوط به اواخر اشکانی نمونه‌ی مشابه شماره ۱ را می‌توان مشاهده کرد (Wenke, 1975: fig.10: 427A). شماره ۲ نیز با نمونه‌های ارائه‌شده از غرب (آذرنوش ۱۳۸۶، لوح ۱: ۸۵) و شمال‌غرب ایران قابل مقایسه است (مافی و صراف، ۱۳۸۵: شکل ۲: ۲، ۳: ۳). تغارها با لبه‌ی آویزان از دیگر اشکال شاخص این گروه است (لوح ۴: ۳-۴) که قابل مقایسه با نمونه‌ی ارائه‌شده از چغامیش هستند البته با این تفاوت که نمونه‌ی مقایسه شده دارای تزئین فشاری بر روی لبه است (Delougaz and Kantor, 1996: pl. 71: J-N-N).

کوزه‌ها: به دو گروه گردن‌دار و بدون گردن تقسیم می‌شود. کوزه‌های گردن‌دار، از اشکال شاخص این گروه کوزه‌های گردن‌دار با لبه‌ی گردشده‌ی قائم و نوارهای برجسته زیر لبه در خارج (لوح ۵: ۱-۲) این کوزه‌ها با گردن متمایل به داخل یا خارج از گونه‌های رایج در دوره‌ی اشکانی هستند که نمونه‌های مشابه آن‌ها از خوزستان و غرب ایران به دست آمده است (Wenke, 1975: fig.10: 407a؛ محمدی‌فر ۱۳۸۴، لوح ۳۲: ۵). نمونه‌ی دیگر کوزه‌های گردن‌دار با لبه‌ی گرد شده‌ی قائم با یک نوار برجسته زیر لبه با گردن قائم یا متمایل به داخل (لوح ۵: ۳-۴) که نمونه‌های مشابه آن نیز از محوطه‌های اشکانی و ساسانی گزارش شده است (محمدی‌فر، ۱۳۸۴: ۲۲: ۶؛ ۹: ۵ & pl. 60: 8 & pl. 48: 9; Lecomte, 1987a: pl. 48: 8 & pl. 60: 9; Priestman, 2013: fig.18:5 a-i, k). از دیگر اشکال این گروه کوزه‌های گردن‌دار با لبه‌ی گرد شده‌ی متمایل به بیرون است (لوح ۵: ۵-۶) که نمونه‌های قابل مقایسه با آن‌ها را می‌توان در میان مجموعه سفال‌های معرفی‌شده از بیستون ملاحظه کرد (علی‌بیگی، ۱۳۸۹: طرح ۱: ۳۰، ۳۰: ۱). (Kleiss, 1970: Abb. 26: 59). از دیگر نمونه‌ها می‌توان به کوزه‌های گردن‌دار با لبه‌ی گرد شده یا شیب‌دار متمایل به بیرون اشاره کرد (لوح ۶: ۱-۲) که نمونه‌ی مشابه آن با تفاوت جزئی در مقطع در میان سفال‌های ارائه‌شده از غرب ایران و سلوکیه وجود دارد (محمدی‌فر، ۱۳۸۴: لوح ۳۲: ۴؛ Debevoise, 1934: ۴).

fig: 72). نمونه دیگر کوزه‌های گردن‌دار با لبه‌ی گرد شده‌ی آویزان است که معمولاً دارای گردن قائم و بلند هستند (لوح ۶: ۳-۴) که قابل‌مقایسه با نمونه‌ی به‌دست‌آمده از بیستون است (علی‌بیگی، ۱۳۸۹: طرح ۵: ۱۴). از دیگر اشکال شاخص این گروه کوزه‌های گردن‌دار با لبه‌ی گرد شده متمایل به بیرون با یک شیار دور لبه است (لوح ۷: ۱-۳) که با نمونه‌های به‌دست‌آمده از کاوش‌های بیستون و لارسا قابل‌قیاس هستند (علی‌بیگی، ۱۳۸۹: طرح ۳: ۴؛ ۱۶: 36: 16). (Locomte, 1987b). اما رایج‌ترین شکل کوزه‌های گردن‌دار در قلعه یزدگرد کوزه‌های گردن‌دار با یک شیار روی لبه و یک برجستگی با مقطع گرد یا مثلثی زیر لبه هستند که مشابه آن‌ها از دیگر محوطه‌های اشکانی گزارش نشده است (لوح ۸: ۱-۲). کوزه‌های گردن‌دار با لبه‌ی تخت و یک شیار دور لبه با گردن متمایل به داخل (لوح ۸: ۳-۴) و کوزه‌های گردن‌دار با لبه‌ی باندی شکل (لوح ۸: ۵-۶) آخرین نمونه‌های مطالعه شده از این گروه هستند که با نمونه‌ی ارائه‌شده از هگمتانه قابل‌مقایسه است (آذرنوش و دیگران، ۱۳۹۵: تصویر ۲: ۲۸۶).

کوزه‌های بدون گردن: ویژگی مشخص کوزه‌های بدون گردن این است که هیچ‌کدام گردن نداشته و لبه‌ی ظرف بلافاصله به بدنه متصل شده است. این کوزه‌ها را براساس شکل لبه می‌توان به گروه‌های زیر طبقه‌بندی کرد: کوزه‌های بدون گردن با لبه‌ی گرد شده قائم یا متمایل به بیرون (لوح ۹: ۱-۲)، کوزه‌های بدون گردن با لبه‌ی تخت یا شیب‌دار متمایل به بیرون که بعضاً دارای یک شیار روی لبه هستند (لوح ۹: ۳-۴) که نمونه‌ی مشابه شماره ۳ از خورده گزارش شده است (رهبر، ۱۳۸۲: ۱۶۲: ۱۲۸). نمونه شماره ۴ نیز با نمونه ارائه‌شده از بیستون مشابهت دارد با این تفاوت که نمونه‌ی مقایسه شده بدون شیار روی لبه است (Kleiss, 1970: Abb. 27: 16).

خمیره‌ها: در میان سفال‌های معمولی دو نمونه خمیره نیز به دست آمد، که یکی از آن‌ها شامل خمیره‌هایی با لبه‌ی ترکیب تخت و گرد متمایل به داخل است (لوح ۹: ۵-۶) که نمونه‌ی مشابه آن‌ها از محوطه اشکانی بیستون گزارش شده است (Ibid, Abb. 28: 3). نمونه‌ی دیگر خمیره‌هایی با لبه‌ی خمیده به داخل و لبه‌ی مضاعف است (لوح ۹: ۷-۸) که از گونه‌های شاخص اواخر اشکانی هستند و ساخت آن‌ها در دوره‌ی ساسانی نیز ادامه پیدا می‌کند. نمونه‌های مشابه این فرم خمیره از شمال‌غرب و غرب ایران گزارش شده است (مافی و صراف، ۱۳۸۵: شکل ۴: ۱۰؛ خسروزاده و عالی، ۱۳۸۳: طرح ۱۷: ۳؛ عزیزاده، ۱۳۸۲: شکل ۳: ۶).

از دیگر اشکال گونه‌ی معمولی کوزه‌هایی هستند که اغلب دارای یک دسته می‌باشند و از یک طرف به گردن یا لبه‌ی ظرف و از طرف دیگر به بدنه متصل است. ما این گروه از سفال‌ها را جزء کوزه‌های دسته‌دار طبقه‌بندی کرده‌ایم و شامل تنگ‌ها، پارچ‌ها و کوزه‌ها هستند (لوح ۱۰: ۱-۴). شماره ۲ با تفاوت جزئی در مقطع با نمونه‌ی ارائه‌شده از جنوب‌غرب ایران که مربوط به دوره‌ی اولیه و میانه‌ی اشکانی است، شباهت دارد (هرینک، ۱۳۷۶: شکل ۱: ۱۵). شماره ۴ نیز با نمونه‌ی معرفی‌شده از چغامیش قابل‌مقایسه است (Delougaz and Kantor, 1996: pl. 72: c).

علاوه بر موارد ذکرشده قطعات زیادی بدنه نیز به دست آمد که بیش‌ترین درصد سفال‌های معمولی را تشکیل می‌دهند. این بدنه‌ها اغلب دارای تزئین هستند و تزئینات به‌کاررفته بر سطح آن‌ها شامل نقش‌کنده (لوح ۱۱: ۴-۱)، نقوش افزوده فشاری (لوح ۱۱: ۵-۷)، ترکیبی از نقوش‌کنده و فشاری (لوح ۱۱: ۸) و نقوش طنابی است

(لوح ۱۱: ۹) که مشابه اغلب این تزئینات را می‌توان در محوطه‌های اشکانی غرب و شمال‌غرب ایران مشاهده کرد.

۸. نتیجه

با توجه به این مطالعه و بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود بین گونه‌های سفالی این منطقه با دیگر مکان‌های باستانی در حوزه‌های فرهنگی گوناگون، هم‌چنین مطالعه‌ی ویژگی متغیرهای سفالی قلعه یزدگرد نکاتی به دست می‌آید که به تفصیل در ذیل بدان اشاره می‌گردد.

در مجموع از قلعه یزدگرد سه گونه‌ی سفالی به‌دست‌آمده که شامل گونه‌ی لعاب‌دار، گونه‌ی کلینکی و گونه‌ی معمولی است. اشکال سفال‌ها شامل کاسه‌ها، کوزه‌ها، خمره‌ها، بشقاب‌ها و دیگ‌ها است که بیش‌تر آن‌ها چرخ‌ساز بوده و دارای پوشش گلی غلیظ یا رقیق هستند. رنگ سطح و مغز سفال‌ها از تنوع قابل‌توجهی برخوردار است اما رنگ‌های نخودی، قرمز روشن و قهوه‌ای روشن بیش‌ترین درصد سفال‌های قلعه یزدگرد را تشکیل می‌دهند. اگرچه اغلب سفال‌های مطالعه شده بدون تزئین است اما تنوع شیوه‌های تزئینی نشان از اهمیت این موضوع دارد. شیوه‌های تزئینی شامل نقوش کنده، نقوش فشاری، طنابی و یا ترکیبی از همین موارد است.

گونه‌ی لعاب‌دار تحت تأثیر فرهنگ سفالگری مناطق دیگر شکل گرفته، انواع آن معدود است و به سفال متداول جنوب‌غرب ایران و بین‌النهرین شباهت دارد. این گونه سفال چرخ‌ساز بوده و اغلب خمیره‌ای به رنگ نخودی دارد که مشخصه سفال بین‌النهرین و جنوب‌غرب ایران است. نوع و ویژگی آن نیز کاملاً مشابه لعاب‌های به‌کاررفته در جنوب‌غرب ایران و بین‌النهرین است. بنابراین با توجه به این نکته و اینکه تاکنون مراکز ساخت این گونه سفال در غرب ایران شناسایی نشده به نظر می‌رسد که این گونه سفال از مناطق یادشده و در نتیجه ارتباطات فرهنگی به قلعه یزدگرد وارد شده است. گونه‌ی کلینکی نیز به تعداد اندک از این محوطه به دست آمده است که از نظر ویژگی‌های فنی با سفال غرب و شمال‌غرب ایران مشابهت دارد. با توجه به این امر و جغرافیای پراکندگی سفال‌های کلینکی در غرب و شمال‌غرب ایران شاهد همگونی فرهنگی این گونه‌ی سفالی در این مناطق هستیم.

سفال‌های معمولی یا ساده، بیش‌ترین درصد سفال‌های قلعه یزدگرد را به خود اختصاص می‌دهد. مطالعات انجام‌شده بر روی این گونه سفال‌ها نشان می‌دهد که شماری از آن‌ها از نظر شکل و تزئینات با سفال‌های اشکانی به‌دست‌آمده از محوطه‌های غرب، شمال‌غرب و تا حدودی جنوب‌غرب ایران مشابهت دارند، که مبین ارتباط فرهنگی و تجاری بین این محوطه با محوطه‌های هم‌زمان در مناطق یاد شده است. اما در این زمینه لازم است به وجوه افتراق، نوآوری‌ها و تأثیر عوامل بومی در سفال‌های معمولی شامل کیفیت ساخت، جنس و رنگ مغز سفال، نوع پوشش و وجود اشکال جدید اشاره کرد. این اشکال سفالی شامل کاسه‌های با یک شیار روی لبه و یک برجستگی زیر لبه و کوزه‌های گردن‌دار با یک شیار روی لبه و یک برجستگی زیر لبه هستند که از سفال‌های شاخص قلعه یزدگرد به شمار می‌آیند و مشابه آن در دیگر محوطه‌های هم‌زمان گزارش نشده است و در نتیجه به معنای ساخت آن‌ها در خود محل است. در پایان می‌توان گفت که هرچند نفوذ فرهنگ سفالگری بین‌النهرین، شمال‌غرب، جنوب‌غرب و به‌خصوص غرب ایران را در سفال‌های اشکانی

قلعه یزدگرد می‌توان مشاهده کرد لیکن ویژگی‌هایی که نشانه‌ی محلی بودن آن‌ها و خاص این حوزه‌ی فرهنگی است نیز در آن‌ها دیده می‌شود.

براساس دور اول مطالعات میدانی صورت‌گرفته (۱۹۷۵-۱۹۷۹) آثار اشکانی مجموعه‌ی قلعه یزدگرد به اواخر قرن دوم میلادی تاریخ‌گذاری شده‌است. در این تاریخ‌گذاری از شواهد معماری، تزئینات معماری، سفال و سکه استفاده شده است.^۱ اگرچه تاریخ‌گذاری موجود منطقی به نظر می‌رسد لیکن به جهت محدودیت کاوش‌های صورت گرفته و نبود شواهد کافی و نیز اطلاعات بیش‌تری که در دور دوم کاوش‌ها (۸۷-۱۳۸۶) به دست آمده سؤالاتی را در ذهن متبادر می‌سازد که نیاز به دقت بیش‌تری در تعلق زمانی مجموعه‌ی اشکانی قلعه یزدگرد دارد. حاصل مطالعه سفال‌های به دست آمد از کاوش‌های دور دوم و اطلاعاتی که در مسیر گونه‌شناسی آن‌ها حاصل شد تردید در تاریخ‌گذاری ارائه‌شده توسط کیل را در شرایط حاضر غیرممکن می‌سازد. هم‌چنین با توجه به وجود مشابهت‌های زیاد سفال قلعه یزدگرد با سفال محوطه‌های اواخر اشکانی و اوایل ساسانی دیگر مناطق و یافتن سکه‌ی مربوط به اواخر دوره‌ی اشکانی، به نظر می‌رسد تاریخ‌گذاری ارائه‌شده توسط کیل درست باشد.

منابع

- آذرنوش، مسعود، و شریفی، علی، و هژیبری، علی، (۱۳۹۵)، «بازنگری گاهنگاری نسبی و مطلق تپه هگمتانه، بر اساس یافته‌ها و نتایج آزمایش گرمالیان و رادیوکربن»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۱۰، ۱۲۱-۱۴۰.
- آذرنوش، مسعود، (۱۳۸۶)، «گزارش مقدماتی کاوش‌های لایه‌شناختی تپه‌ی هگمتانه همدان»، جلد اول، در مجموعه مقاله‌های نهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، ۱۹-۶۱. تهران، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده باستان‌شناسی.
- آذرنوش، مسعود، (۱۳۸۷-۱۳۸۶)، گزارش کاوش‌های فصل نخست (دور دوم) قلعه یزدگرد، (منتشر نشده).
- خان‌مرادی، مژگان، (۱۳۸۶)، بررسی باستان‌شناسی حوزه بان‌زرده، پایگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری محور ساسانی کرمانشاه- قصر شیرین، (منتشر نشده).
- خسروزاده، علیرضا، و عالی، ابوالفضل. (۱۳۸۳). «توصیف، طبقه‌بندی و تحلیل گونه‌شناختی سفال‌های دوران اشکانی و ساسانی منطقه ماه‌نشان زنجان». در مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران: حوزه شمال غرب، توسط مسعود آذرنوش، ۴۵-۷۰. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده باستان‌شناسی.
- خسروزاده، علیرضا، و عالی، ابوالفضل، (۱۳۸۴)، «توصیف، طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های دوره سلوکی و اشکانی و ساسانی»، در بررسی‌های باستان‌شناسی میاناب شوستر، توسط عباس مقدم، ۱۶۵-۲۴۷. تهران، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده باستان‌شناسی.
- خسروی، لیلا، (۱۳۸۵)، «گزارش گمانه‌زنی به‌منظور تعیین عرصه و حریم محوطه‌ی تی‌هله، خرم‌آباد»، در گزارش‌های باستان‌شناسی ۵، تدوین توسط کوروش روستایی، ۷۱-۹۰. تهران، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده باستان‌شناسی.
- رزم‌پوش، عباس، (۱۳۸۹)، «مطالعه باستان‌شناختی منطقه بان‌زرده کرمانشاه در دوره اسلامی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران.
- رهبر، مهدی، (۱۳۸۲)، سومین فصل کاوش‌های باستان‌شناسی خورهه. تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور و معاونت پژوهشی مدیریت میراث فرهنگی استان مرکزی، پازینه.
- علی‌بیگی، سجاد، (۱۳۸۹)، «ازسرگیری پژوهش‌های باستان‌شناختی در محوطه پارتی بیستون»، پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس ۳، ۳۹-۶۹.

¹ (Keall, 1967; 1975; 1977; 1981; 1994)

- علیزاده، کریم، (۱۳۸۲)، «معرفی سفال‌های دژ مادی بیستون، کرمانشاه - کاوش ۱۳۸۱»، در گزارش‌های باستان‌شناسی ۲، ۸۷-۱۵۷، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده باستان‌شناسی.
- کلایس، ولفرام، (۱۳۸۵)، «محوطه معروف به دامنه پارتی»، در بیستون: کاوش‌ها و تحقیقات سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۷، توسط ولفرام کلایس و پتر کالمایر، ترجمه‌ی فرامرز نجد سمیعی، ۱۰۵ - ۱۱۸، تهران، سازمان میراث فرهنگی.
- گلزاری، مسعود، و جلیلی، بی تا، *کرمانشاهان باستان از آغاز تا سده سیزدهم هجری قمری*، بی‌جا، وزارت فرهنگ و هنر.
- مافی، فرزاد و صراف، محمدرحیم، (۱۳۸۵)، «تحلیل باستان‌شناختی آثار و استقرارهای اشکانی حوزه آبریز ابهرود»، پیام باستان‌شناس، سال سوم، شماره ۶، ۷۵-۱۰۲.
- مافی، فرزاد، و بهنیا، علی، و بهرام‌زاده، محمد، (۱۳۸۸)، «توصیف، طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال دوره اشکانی شهرستان قروه (کردستان)»، پیام باستان‌شناس، سال ششم، شماره ۱۲، ۸۵-۱۰۴.
- محمدی‌فر، یعقوب، (۱۳۸۴)، *بررسی و تحلیل آثار و استقرارهای اشکانی در زاگرس مرکزی*. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- مرادی، یوسف، (۱۳۸۷)، *مجموعه تاریخی قلعه یزدگرد*، (برای) میراث فرهنگی و گردشگری محور ساسانی کرمانشاه-قصر شیرین. نوروززاده چگینی، ناصر، (۱۳۸۸-۱۳۸۹)، گزارش کاوش فصل دوم و سوم قلعه یزدگرد ۱۳۸۸-۱۳۸۹ (منتشر نشده).
- هرینک، ارنی، (۱۳۷۶)، *سفال ایران در دوران اشکانی*، ترجمه حمیده چوبک، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- Boucharlat, R., 1987. Les Niveaux Post-Achémenides a Susa, Secteur Nord. Fouilles de l'Apadana-Est et de la Ville Royale-Ouest (1973-1978). *DAFI* 15: 145-312.
- Debevoise, N.C., 1934. *Parthian Pottery from Seleucia on the Tigris*. Ann Arbor, University of Michigan Press.
- Delougaz, P., and Kantor, H.J., 1996. *Chogha Mish: The First Five Season of Excavation. 1961-1971*. Edited by A. Alizadeh. Chicago, Oriental Institute of the University of Chicago.
- Hansman, J., and Stronach, D., 1970. Excavation at Shahr-I Qūmis, 1967. *Royal Asiatic Society* 1: 29-62.
- Kleiss, W., 1970. Zur topographie des (Partherhanges) in Bisutun. *AMI* 3: 133-168.
- , 1973. Qaleh-zohak in Azarbaidjan. *AMI* 6: 163-169.
- Keall, E.J., 1967. Qaleh-I Yazdigird: A Sasanian Place Stronghold in Persian Kurdistan. *IRAN* 5: 99-121.
- , 1975. Qaleh-I Yazdigird: First season of Excavation 1975. In: *Proceeding of the Fourth Annual Symposium on archaeological Research in Iran* (November 1975). Tehran, Iranian Center for Archaeological Research: 380-390.
- , 1976. Survey of Excavations in Iran 1974-75. *IRAN* 14: 161-164.
- , 1977. Qal'eh-I Yazdigird: The Question of its Date. *IRAN* 15: 1-20.
- , 1981. The Qaleh-I Yazdigird Pottery: A Statistical Approach. *IRAN* 19: 51-73.
- , 1982. Qaleh-I Yazdigird: An Overview of the Monumental Architecture. *IRAN* 20: 51-72.
- , 1994. How Many Kings did the Parthian King of Kings Rule? *Iranica Antiqua* 29: 253-272.
- Lecomte, O., 1987a. La Ceramique Sassanide. In: J. Deshayes, R. Boucharlat and O. Lecomte, (eds.). *Fouilles de Tureng Tepe*, Paris, Editions Recherche sur les Civilisations: 93-113.
- , 1987b. Un probleme d'interpretation l'E.babbar de Larsa aux epoques hellenistique et seleuco-parthe, approche archeologique, economique et culturelle. In: Jean-Louis Huot (ed.). *Larsa (10e campagne, 1983) et Oueili (4e campagne, 1983): Rapport preliminaire*, Paris, Editions Recherche sur les civilisations, 225-246.

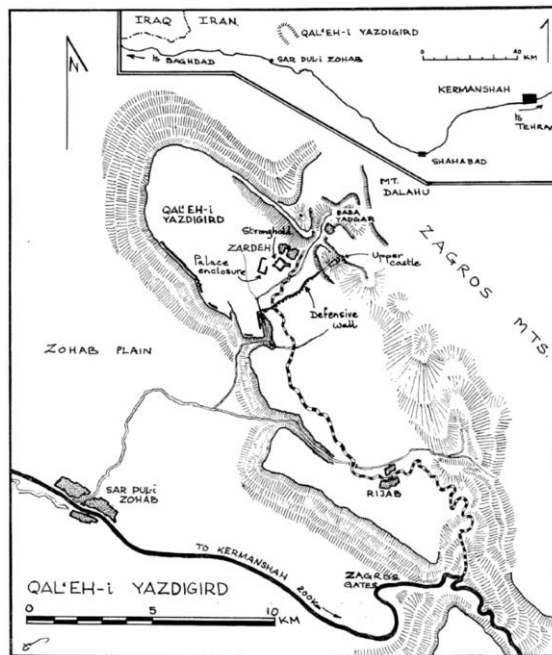
Miroschedji, P.De., 1987. Fouilles du chantier Ville Royale II á Suse (1975-1977).II- Niveaux d'époques achéménide, parthe et islamique. *DAFI* 15: 11-144.

Priestman, S., 2013. Sasanian ceramics from the Gorgan Wall and other sites on the Gorgan Plain. In: E. Sauer, H. Omrani Rekavandi, T.J. Wilkinson, J. Nokandeh, (eds.), *Persia's Imperial Power in Late Antiquity: the Great Wall of Gorgan and Frontier Landscapes of Sasanian Iran*, Oxford, British Institute of Persian Studies Archaeological Monographs Series II, 447-534.

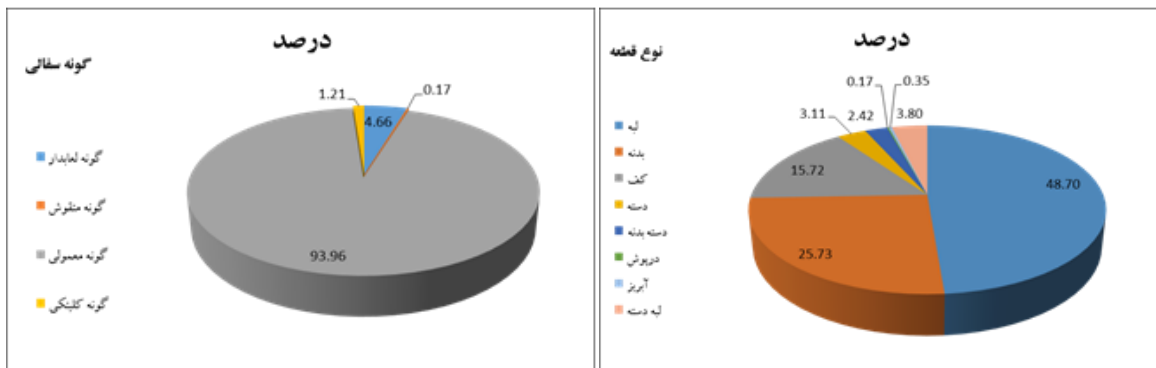
Stronach, D., 1969. Excavation at Tepe Nush-I Jan. *IRAN* 7: 1-20.

Wenke, R., 1975-76. Imperial Investments and Agricultural Development in Parthian and Sasanian Khuzestan. *Mesopotamia* 10-11: 31-231.

پیوست‌ها

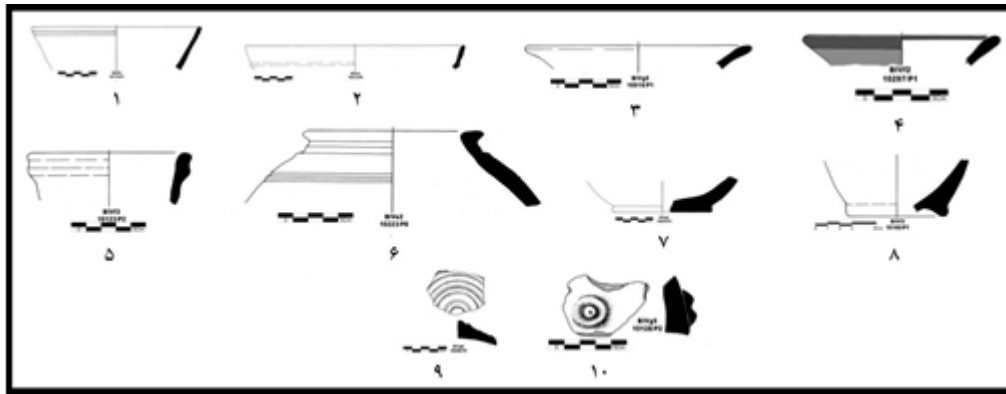


نقشه ۱. موقعیت جغرافیایی قلعه یزدگرد (Keall, 1976: 162)



شکل ۲: طبقه بندی بر اساس گونه سفالی

شکل ۱: طبقه بندی بر اساس نوع قطعه



لوح ۱

شرح لوح ۱

شماره	نام محوطه	شماره لوکوس / سفال	مشخصات: (۱) شکل ظرف، (۲) نوع ساخت، (۳) پخت، (۴) رنگ خمیره (برون / درون / مغز)، (۵) شاموت، (۶) کیفیت ساخت (برون / درون / مغز)، (۷) تزئینات (برون / درون)، (۸) پوشش و پرداخت سطح بیرونی، (۹) پوشش و پرداخت سطح درونی	مشابهات
۱	گچ‌گنبد غربی	10175/ p1	۱. کاسه، ۲. چرخ‌ساز، ۳. کافی، ۴. ؟، ۵. نخودی، ۶. متوسط.	Hansman and Stronach, 1970: fig.15:2
۲	گچ‌گنبد غربی	10212/ p8	۱. کاسه، ۲. چرخ‌ساز، ۳. کافی، ۴. ؟، ۵. نخودی، ۶. متوسط.	خسروزاده و عالی، ۱۳۸۴: شکل ۲۳: ۵
۳	گچ‌گنبد غربی	10016/ p1	۱. بشقاب، ۲. چرخ‌ساز، ۳. کافی، ۴. ؟، ۵. نخودی، ۶. ظریف.	Boucharlat, 1987: fig.66: 2; Locomte, 1987b: pl. 19: 10 آذرنوش و دیگران، ۱۳۹۵: تصویر ۲: ۲۳۱
۴	گچ‌گنبد غربی	10297/ p1	۱. بشقاب، ۲. چرخ‌ساز، ۳. کافی، ۴. ؟، ۵. نخودی، ۶. ظریف.	
۵	گچ‌گنبد غربی	10123/ p2	۱. کوزه، ۲. چرخ‌ساز، ۳. کافی، ۴. ؟، ۵. نخودی، ۶. متوسط.	
۶	گچ‌گنبد غربی	10223/ p8	۱. کوزه، ۲. چرخ‌ساز، ۳. کافی، ۴. ؟، ۵. قهوه‌ای‌روشن، ۶. متوسط.	
۷	گچ‌گنبد غربی	10043/ p2	۱. کف، ۲. چرخ‌ساز، ۳. کافی، ۴. ؟، ۵. قهوه‌ای‌روشن، ۶. خشن.	
۸	گچ‌گنبد غربی	10160/ p1	۱. کف، ۲. چرخ‌ساز، ۳. کافی، ۴. ؟، ۵. نخودی، ۶. متوسط.	
۹	گچ‌گنبد غربی	10096/ p4	۱. ققمه؟، ۲. چرخ‌ساز، ۳. کافی، ۴. ؟، ۵. خاکستری مایل به سبز، ۶. متوسط.	Kleiss, 1973: Abb.21: 9 هرینک، ۱۳۷۶: شکل ۱: ۴ خسروزاده و عالی، ۱۳۸۴: شکل ۴۸: ۸-۷
۱۰	گچ‌گنبد	10128/ p2	۱. بدنه، ۲. چرخ‌ساز، ۳. کافی، ۴. ؟، ۵. نخودی، ۶. لعاب‌دار	

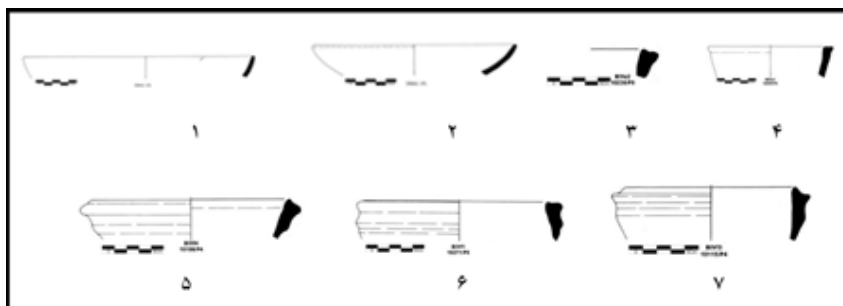
	ظریف. ظریف. متوسط. ۷. نقش‌افزوده. ۸. لعاب‌دار. ۹. لعاب‌دار	غربی	
--	--	------	--



لوح ۲

شرح لوح ۲

شماره	نام محوطه	شماره لوکوس / سفال	مشخصات	مشابهات
۱	گچ‌گنبد غربی	10221 /p2	۱. کاسه. ۲. چرخ‌ساز. ۳. کافی. ۴. قرمز. قرمز. خاکستری. ۵. کانی. ۶. ظریف. ظریف. متوسط. ۷. پردها. ۸. پردها. ۹. پردها	
۲	گچ‌گنبد غربی	10240 /p1	۱. تنگ. ۲. چرخ‌ساز. ۳. کافی. ۴. قرمز روشن. قرمز روشن. خاکستری. ۵. کانی. ۶. متوسط. متوسط. متوسط. ۸. دست‌تر. ۹. دست‌تر	هرینک، ۱۳۷۶: شکل ۳، ۱۹، ۱۶
۳	گچ‌گنبد شرقی	10485 /p2	۱. بطری. ۲. چرخ‌ساز. ۳. کافی. ۴. قرمز روشن. قرمز روشن. خاکستری. ۵. کانی. ۶. ظریف. ظریف. ظریف. ۸. پردها. ۹. پردها	



لوح ۳

شرح لوح ۳

شماره	نام محوطه	شماره لوکوس / سفال	مشخصات	مشابهات
۱	گچ‌گنبد غربی	20041/ p2	۱. کاسه. ۲. چرخ‌ساز. ۳. کافی. ۴. نخودی. نخودی. نخودی. ۵. کانی. ۶. متوسط. متوسط. متوسط. ۳. گلی رقیق. ۱. گلی رقیق	کلایس، ۱۳۸۵: شکل ۹: ۱، Miroschedji, 1987: fig. 33: 1
۲	گچ‌گنبد غربی	20041/ p3	۱. کاسه. ۲. چرخ‌ساز. ۳. کافی. ۴. نخودی. نخودی. نخودی. ۵. کانی. ۶. ظریف. ظریف. ظریف. ۸. گلی رقیق. ۹. گلی غلیظ	Ibid

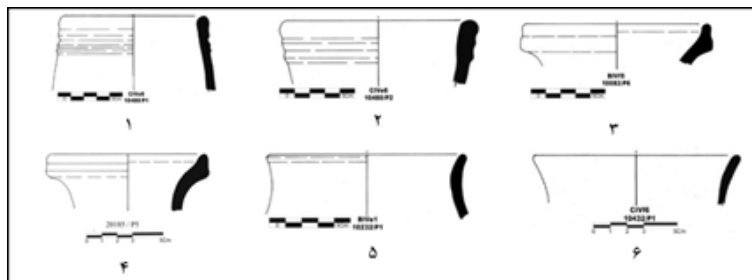
Kleiss, 1970: Abb. 26: 27; Locomte, 1987b: pl. 17: 7	۱. کاسه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. نخودی. نخودی. نخودی ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط	10236/ p9	گچ‌گنبد غربی	۳
Ibid	۱. کاسه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. قرمز روشن. قرمز روشن. قرمز روشن ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط ۸. گلی رقیق	10289/ p2	گچ‌گنبد غربی	۴
	۱. کاسه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. قهوه‌ای روشن. قهوه‌ای روشن. قهوه‌ای روشن ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط ۸. گلی غلیظ ۹. گلی غلیظ	10196/ p4	گچ‌گنبد غربی	۵
	۱. کاسه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. قرمز روشن. قرمز روشن. قرمز روشن ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط ۸. گلی رقیق ۹. گلی رقیق	10271/ p5	گچ‌گنبد غربی	۶
	۱. کاسه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. قهوه‌ای روشن. قهوه‌ای روشن. قهوه‌ای روشن ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط	10115/ p4	گچ‌گنبد غربی	۷



لوح ۴

شرح لوح ۴

مشابهات	مشخصات	شماره لوکوس /سفال	نام محوطه	شماره
Wenke, 1975: fig. 10: 427A	۱. تنگار ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. نخودی. نخودی. نخودی ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط ۸. گلی غلیظ ۹. گلی غلیظ	10080/ p1	گچ‌گنبد غربی	۱
آذرنوش، ۱۳۸۶: لوح ۱: ۸۵۱: مافی و صراف، ۱۳۸۵: شکل ۲: ۲، ۳: ۲	۱. تنگار ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. قرمز روشن. قرمز روشن. قرمز روشن ۵. کانی ۶. خشن. خشن. خشن ۸. گلی رقیق	10280/ p1	گچ‌گنبد غربی	۲
Delougaz and Kantor, 1996: pl. 71: J-N-N	۱. تنگار ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. نخودی. نخودی. نخودی ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط ۷. شیاردار ۸. گلی رقیق ۹. گلی رقیق	20175/ p1	گچ‌گنبد غربی	۳
	۱. تنگار ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. نخودی مایل به قرمز. نخودی مایل به قرمز ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط ۷. شیاردار ۸. گلی غلیظ ۹. گلی غلیظ	20175/ p3	گچ‌گنبد غربی	۴



لوح ۵

شرح لوح ۵

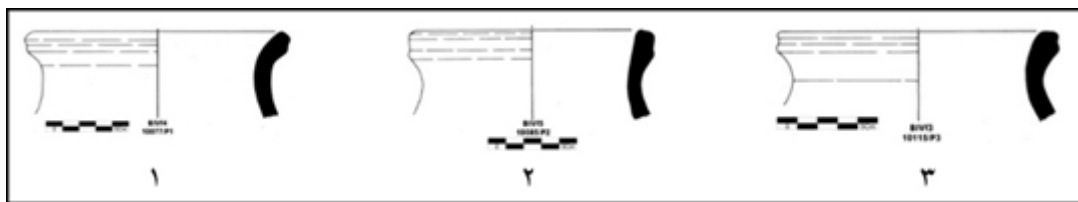
شماره	نام محوطه	شماره لوکوس /سفال	مشخصات	مشابهات
۱	گچ‌گنبد شرقی	10480/p1	۱. کوزه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. قرمز روشن. قرمز روشن. قرمز روشن. قرمز روشن ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط. متوسط ۷. شیاردار ۸. گلی غلیظ ۹. گلی غلیظ	Wenke, 1975: fig. 10: 407a; محمدی‌فر، ۱۳۸۴: لوح ۵: ۳۲
۲	گچ‌گنبد شرقی	10480/p2	۱. کوزه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. قهوه‌ای. قهوه‌ای. قهوه‌ای. قهوه‌ای ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط. متوسط ۷. شیاردار ۸. پرداخت ۹. پرداخت	Ibid
۳	گچ‌گنبد غربی	10082/p6	۱. کوزه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. قهوه‌ای روشن. قرمز روشن. قرمز روشن ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط. متوسط ۸. گلی غلیظ ۹. دست‌تر	Priestman, 2013: fig.18:5 a-i, k; Lecomte, 1987a: pl. 48: 8 & pl. 60: 9 محمدی‌فر، ۱۳۸۴: لوح ۶: ۲۲
۴	گچ‌گنبد غربی	20185/p5	۱. کوزه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. نخودی. نخودی. نخودی. نخودی ۵. کانی ۶. متوسط. خشن. خشن. خشن ۸. گلی غلیظ ۹. گلی رقیق	Ibid
۵	گچ‌گنبد غربی	10232/p1	۱. کوزه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. نخودی. نخودی. نخودی. نخودی ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط. متوسط ۸. گلی غلیظ ۹. گلی غلیظ	علی‌بیگی، ۱۳۸۹: طرح ۱: ۳۰; Kleiss, 1970: Abb. 26: 59
۶	گچ‌گنبد شرقی	10432/p1	۱. کوزه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. قهوه‌ای روشن. قهوه‌ای روشن. قهوه‌ای روشن. قهوه‌ای روشن ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط. متوسط ۸. گلی غلیظ ۹. گلی غلیظ	Ibid



لوح ۶

شرح لوح ۶

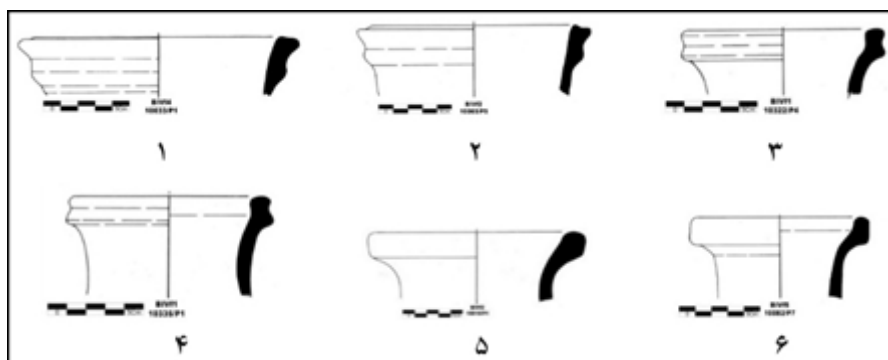
شماره	نام محوطه	شماره لوکوس /سفال	مشخصات	مشابهات
۱	گچ‌گنبد غربی	10373/p1	۱. کوزه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. نخودی. قرمز روشن. قرمز روشن. قرمز روشن ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط. ظریف ۸. گلی رقیق	محمدی‌فر ۱۳۸۴: لوح ۴: ۳۲; Debevoise, 1934: fig: 72
۲	گچ‌گنبد غربی	10377/p2	۱. کوزه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. نخودی. نخودی. نخودی. نخودی ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط. متوسط ۸. گلی غلیظ ۹. گلی غلیظ	Ibid
۳	گچ‌گنبد غربی	10160/p3	۱. کوزه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. نخودی. نخودی. نخودی. نخودی ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط. متوسط ۸. دست‌تر ۹. دست‌تر	علی‌بیگی، ۱۳۸۹: طرح ۵: ۱۴
۴	گچ‌گنبد غربی	10289/p1	۱. کوزه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. قرمز روشن. قرمز روشن. قرمز روشن. قرمز روشن ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط. متوسط ۸. گلی رقیق ۹. گلی رقیق	همان



لوح ۷

شرح لوح ۷

شماره	نام محوطه	شماره لوکوس / سفال	مشخصات	مشابهات
۱	گچ‌گنبد غربی	10077/p1	۱. کوزه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. زرد روشن. قهوه‌ای روشن. قهوه- ای روشن ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط. متوسط ۸. گلی غلیظ ۹. پرداخت	علی بیگی، ۱۳۸۹: طرح ۳: ۴ Locomte, 1987b:pl.36: 16
۲	گچ‌گنبد غربی	10085/p2	۱. کوزه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. نخودی. نخودی. نخودی ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط. متوسط ۸. دست‌تر ۹. دست‌تر	
۳	گچ‌گنبد غربی	10115/p3	۱. کوزه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. قهوه‌ای روشن. قهوه‌ای روشن. قهوه- ای روشن ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط. متوسط ۸. گلی غلیظ ۹. گلی رقیق	

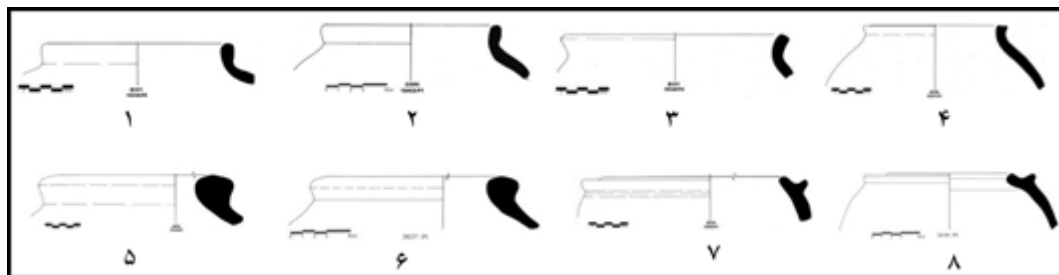


لوح ۸

شرح لوح ۸

شماره	نام محوطه	شماره لوکوس / سفال	مشخصات	مشابهات
۱	گچ‌گنبد غربی	10033/p1	۱. کوزه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. قهوه‌ای روشن. قهوه‌ای روشن. قهوه- ای روشن ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط. متوسط ۸. پرداخت ۹. پرداخت	
۲	گچ‌گنبد غربی	10065/p5	۱. کوزه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. نخودی. نخودی. نخودی ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط. متوسط	
۳	گچ‌گنبد غربی	10322/p4	۱. کوزه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. قرمز روشن. قرمز روشن. قرمز روشن ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط. متوسط ۸. گلی غلیظ ۹. گلی رقیق	

۴	گچ‌گنبد غربی	10335/p1	۱. کوزه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. قرمز روشن. قرمز روشن. قرمز روشن ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط ۸. گلی غلیظ ۹. دست‌تر
۵	گچ‌گنبد غربی	10010/p1	۱. کوزه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. قرمز مایل به قهوه‌ای روشن. قرمز مایل به قهوه‌ای روشن. قهوه‌ای روشن ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط ۸. پرداخت ۹. دست‌تر
۶	گچ‌گنبد غربی	10082/p7	۱. کوزه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. نخودی. نخودی. قهوه‌ای روشن ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط ۸. گلی غلیظ ۹. گلی غلیظ



لوح ۹

شرح لوح ۹

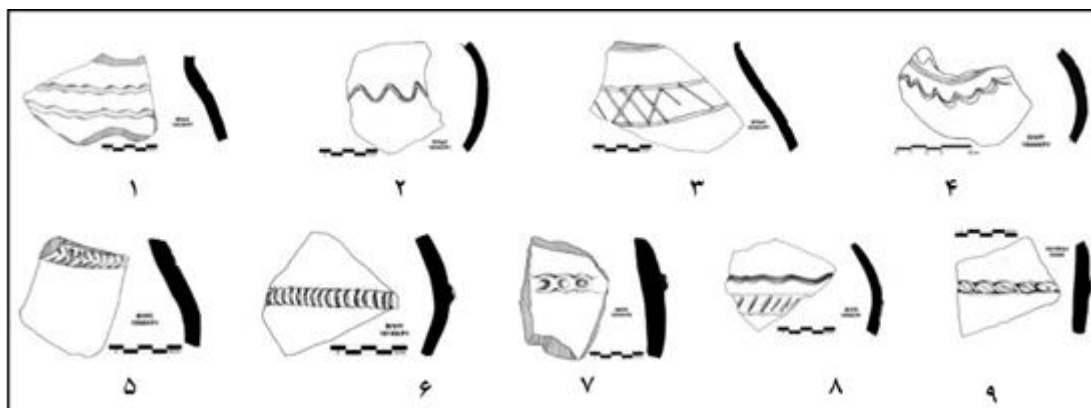
شماره	نام محوطه	شماره لوکوس / سفال	مشخصات	مشابهات
۱	گچ‌گنبد غربی	10335/p5	۱. کوزه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. قرمز روشن. قرمز روشن. قرمز روشن ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط ۸. گلی رقیق ۹. گلی رقیق	
۲	گچ‌گنبد شرقی	10403/p1	۱. کوزه ۲. چرخ‌ساز ۳. ناکافی ۴. قرمز روشن. قهوه‌ای روشن. سیاه ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط ۸. پرداخت ۹. پرداخت	
۳	گچ‌گنبد غربی	10348/p4	۱. کوزه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. قرمز روشن. قرمز روشن. قرمز روشن ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط ۸. گلی رقیق ۹. گلی رقیق	رهبر، ۱۳۸۲: ۱۶۲: ۱۲۸
۴	گچ‌گنبد غربی	10331/p1	۱. کوزه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. نخودی. سدری روشن. سدری روشن ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط ۸. گلی غلیظ	Kleiss, 1970: Abb. 27: 16
۵	گچ‌گنبد غربی	10055/p1	۱. خمیره ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. قرمز روشن. قهوه‌ای روشن. قرمز روشن ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط ۸. خشن ۹. دست‌تر	Kleiss, 1970: Abb. 28: 3
۶	گچ‌گنبد غربی	20237/P1	۱. خمیره ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. نخودی. نخودی مایل به قرمز. نخودی مایل به قرمز ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط ۸. گلی غلیظ ۹. گلی رقیق	Ibid
۷	گچ‌گنبد غربی	10062/p1	۱. خمیره ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. قهوه‌ای روشن. قهوه‌ای. قهوه‌ای ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط ۸. دست‌تر ۹. دست‌تر	مافی و صراف، ۱۳۸۵: شکل ۴: ۱۰؛ خسروزاده و عالی، ۱۳۸۳: طرح ۱۷: ۳؛ علیزاده، ۱۳۸۲: شکل ۳: ۶
۸	گچ‌گنبد غربی	20190/P9	۱. خمیره ۲. چرخ‌ساز ۳. ناکافی ۴. قرمز. قرمز. نخودی ۵. مختلط ۶. ظریف. متوسط. متوسط ۸. گلی غلیظ ۹. گلی غلیظ	



لوح ۱۰

شرح لوح ۱۰

شماره	نام محوطه	شماره لوکوس / سفال	مشخصات	مشابهات
۱	گچ‌گنبد غربی	10346/p1	۱. کوزه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. قرمز روشن. قرمز روشن. قرمز روشن. قرمز روشن ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. خشن. خشن ۸. گلی رقیق	
۲	گچ‌گنبد غربی	10062/p2	۱. کوزه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. نخودی. قهوه‌ای روشن. قهوه‌ای روشن ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط ۷. نوار برجسته ۸. گلی غلیظ ۹. دست‌تر	هرینک، ۱۳۷۶: شکل ۱: ۱۵
۳	گچ‌گنبد شرقی	10405/p1	۱. کوزه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. قهوه‌ای روشن. قهوه‌ای روشن. قهوه-ای روشن ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط ۸. گلی غلیظ ۹. گلی غلیظ	
۴	گچ‌گنبد غربی	20052/p1	۱. کوزه ۲. چرخ‌ساز، دست‌ساز ۳. کافی ۴. قهوه‌ای. قهوه‌ای. قهوه‌ای ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط ۸. گلی رقیق ۹. گلی رقیق	Delougaz and Kantor, 1996: pl. 72: c



لوح ۱۱

شرح لوح ۱۱

شماره	نام محوطه	شماره لوکوس / سفال	مشخصات	مشابهات
۱	گچ‌گنبد غربی	10236/p7	۱. بدنه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. نخودی. نخودی. نخودی ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط ۷. نقش‌کنده مواج ۸. گلی غلیظ ۹. گلی غلیظ	محمدی‌فر، ۱۳۸۴: لوح ۴: ۶: مافی و صراف، ۱۳۸۵: طرح ۱۰: ۲

۲	گچ‌گنبد غربی	10352/p1	۱. بدنه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. قرمز روشن. قرمز روشن. قرمز روشن. ۵. کانی ۶. متوسط. خشن. متوسط ۷. نقش‌کننده مواج ۸. گلی رقیق	محمدی‌فر، ۱۳۸۴: لوح ۴: ۱۰؛ مافی و صراف، ۱۳۸۵: طرح ۱۰: ۳
۳	گچ‌گنبد غربی	10223/p7	۱. بدنه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. قهوه‌ای. قهوه‌ای روشن. قهوه-ای روشن ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط ۷. نقش‌کننده ۸. گلی غلیظ ۹. گلی غلیظ	
۴	گچ‌گنبد شرقی	10444/p1	۱. بدنه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. قهوه‌ای روشن. قرمز مایل به قهوه‌ای روشن. قرمز مایل به قهوه‌ای روشن ۵. کانی ۶. متوسط. خشن. متوسط ۷. نقش‌شانه‌ای ۹. گلی غلیظ	محمدی‌فر، ۱۳۸۴: لوح ۴: ۸
۵	گچ‌گنبد غربی	10085/p1	۱. بدنه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. قهوه‌ای روشن. قهوه‌ای. قرمز روشن ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط ۷. نقش فشاری ۸. گلی غلیظ	علی‌بیگی، ۱۳۸۹: طرح ۵: ۳۸؛ مافی و صراف، ۱۳۸۵: طرح ۹: ۴
۶	گچ‌گنبد غربی	10166/p1	۱. بدنه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. قهوه‌ای. قهوه‌ای. قهوه‌ای ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط ۷. نقش فشاری ۸. دست‌تر ۹. دست‌تر	محمدی‌فر، ۱۳۸۴: لوح ۳: ۱۱؛ علی‌بیگی، ۱۳۸۹: طرح ۵: ۳۵
۷	گچ‌گنبد غربی	10065/p2	۱. بدنه ۲. دست‌ساز ۳. کافی ۴. قرمز روشن. قهوه‌ای روشن. قرمز روشن ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. خشن ۷. نقش طنابی ۸. دست‌تر ۹. دست‌تر	علی‌بیگی، ۱۳۸۹: لوح ۷: ۳۹؛ خسروی، ۱۳۸۵: شکل ۱: ۱۷
۸	گچ‌گنبد غربی	10082/p4	۱. بدنه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. قرمز مایل به قهوه‌ای. قرمز مایل به قهوه‌ای. قهوه‌ای تیره ۵. کانی ۶. متوسط. متوسط. متوسط ۷. کنده‌شانه‌ای و خطوط‌کننده ۸. پرداخت	محمدی‌فر، ۱۳۸۴: لوح ۲: ۱۴؛ علی‌بیگی، ۱۳۸۹: طرح ۵: ۳۶، ۳۷ و طرح ۷: ۶۱؛ مافی و دیگران، ۱۳۸۸: لوح ۴: ۹
۹	گچ‌گنبد غربی	10148/p1	۱. بدنه ۲. چرخ‌ساز ۳. کافی ۴. قهوه‌ای روشن. قرمز روشن. قرمز روشن ۵. کانی ۶. متوسط. خشن. خشن ۷. نقش طنابی ۸. گلی غلیظ	محمدی‌فر، ۱۳۸۴: لوح ۲: ۲۶؛ مافی و صراف، ۱۳۸۵: طرح ۹: ۱۰